



عنوان	ارزیابی اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال
سخنران	دکتر علیرضا امینی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مشاور امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور)
اعضای پنل	دکتر غلامعلی فرجادی، دکتر محمد حسینی
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷	

هدف اصلی مطالعه، ارزیابی اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال و شناسایی رویکرد مطلوب سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و تجاری بر اشتغال، ارائه توصیه‌های سیاستی در جهت اصلاح سیاست‌های اقتصاد کلان با رویکرد افزایش همزمان تولید و اشتغال است.

سیاست‌های اقتصاد کلان می‌توانند نسبت به هدف ایجاد اشتغال، رویکرد فعال و یا غیر فعال داشته باشند. رویکرد سیاست‌های فعال با توجه ویژه به مقوله اشتغال در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی، سعی در ایجاد ظرفیت‌های جدید اشتغال و رونق بازار کار دارد و اشتغال را به عنوان هدفی کلیدی درون چارچوب سیاست‌های اقتصاد کلان در نظر می‌گیرد و آن را تنها به عنوان پیامد رشد اقتصادی قلمداد نمی‌کند. رویکرد غیرفعال در سیاست‌های اقتصاد کلان، با هدف گذاری رشدهای بالا و مستمر و تمرکز بر انضباط مالی، ثبات قیمت و آزاد سازی تجارت، واکنش خودکار بازار کار را به دنبال خواهد داشت.

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و برای ارزیابی اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال، ابتدا توابع اشتغال تصریح گردیده و سپس با روش اقتصادسنجی، آمارهای سری زمانی توابع اشتغال برآورد شده است.

تاثیرگذاری سیاست‌های مالی بر تولید، بستگی به شکل منحنی عرضه کل و تقاضای کل در اقتصاد دارد. هر چقدر شیب منحنی تقاضای کل بیشتر و شیب منحنی عرضه کل کمتر باشد، تاثیرگذاری سیاست‌های مالی بر سطح تولید در اقتصاد بیشتر و در نتیجه اشتغال نیز بیشتر تحریک خواهد شد.

سیاست‌های پولی از چهار کانال نرخ بهره، قیمت دارایی، کانال اعتباری و نرخ ارز و بخش حقیقی اقتصاد بخصوص اشتغال را متأثر می‌کنند. در حوزه سیاست‌های ارزی، تغییرات نرخ ارز چه از محل سیاست‌های پولی و چه از محل تعیین برونزای نرخ ارز، می‌تواند از طریق سه کانال تکنولوژیکی، هزینه‌های کالاهای واسطه و سرمایه‌ای و حجم صادرات بر بخش حقیقی اقتصاد تاثیرگذار باشد.



یکی از محدودیت‌های تحقیق به‌ویژه در حوزه اقتصاد سنجی سری زمانی توابع اشتغال، کمبود آمارهای با دقت و کیفیت بالا در خصوص سری زمانی اشتغال و دستمزدها است. بدین منظور در فصل سوم مطالعه، ابتدا کیفیت داده‌های آماری اشتغال در سرشماری‌ها و طرح‌های آمارگیری مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت سری زمانی اشتغال برای دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ با استفاده از منابع آماری دیگر نظیر طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار و پس از آزمون سازگاری آن، استخراج شد. گفتنی است، در تشکیل سری زمانی اشتغال سعی گردید حداکثر استفاده از آمارهای تولید شده دارای کیفیت قابل قبول، بعمل آید. در برخی سال‌ها که اطلاعاتی تولید نشده است و یا آمارهای تولید شده سازگار با آمارهای سال‌های قبل و بعد از آن سال در دسترس نیست، از روش درون‌یابی لاگرانژ برای برآورد اشتغال استفاده شده است. علاوه بر این، برای دستمزدها نیز پس از استخراج از منابع مختلف و مقایسه آنها، در نهایت سری زمانی دستمزدها مبتنی بر نتایج طرح آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار بدست آمد. گفتنی است، سه شاخص دستمزد بر اساس آمارهای طرح هزینه و درآمد خانوار و حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران محاسبه گردیده است. نتایج محاسبات سری زمانی شاخص‌های دستمزد در سطح کلان اقتصاد نشانگر آن است که متوسط دستمزد محاسبه شده بر اساس طرح هزینه و درآمد خانوار نسبت به دو شاخص دستمزد دیگر، در سطح پایین‌تری قرار دارد که دلیل آن کم‌اظهاری درآمدها توسط خانوارها در طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار است و این امری طبیعی و مورد انتظار است. گفتنی است، متوسط دستمزد محاسبه شده از طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار نسبت به حداقل سازگاری برخوردار است. مطلب دیگر آن که، متوسط دستمزد بدست آمده از حساب‌های ملی بانک مرکزی نسبت به دو شاخص دیگر در سطح بالاتری قرار دارد. یافته دیگر آن که، روند هر سه شاخص دستمزد، با یکدیگر هماهنگ بوده و روندی صعودی داشته‌اند. با توجه به ویژگی ذکر شده و وجود آمارهای سری زمانی دستمزد برای کل دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ از نتایج طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، از آمارهای مذکور برای برآورد مدل‌ها استفاده شده است. شایان ذکر است، با در نظر گرفتن وزن خانوار، جهت محاسبه متوسط دستمزد طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ از میانگین وزنی درآمد ماهیانه مشاغل مزد و حقوق‌بگیری بخش دولتی و خصوصی استفاده شده است. پس از برآورد تابع اشتغال با استفاده از آمارهای سری زمانی اشتغال و دستمزدها و مقایسه ارقام واقعی و برآورد شده اشتغال، این نتیجه حاصل شد که سری زمانی اشتغال تولید شده از کیفیت قابل قبولی برخوردار است.



در بخش دیگری از تحقیق، برای ارزیابی اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال، از رویکرد هم‌انباشتگی و تکنیک حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل شده (FMOLS) برای برآورد توابع اشتغال طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ استفاده شده است.

در خصوص آزمون‌های اعتبار سنجی مدل باید گفت که، روش (FMOLS)، با در نظر گرفتن اثرات خودهمبستگی سریالی و درون‌زایی در متغیرها، خودهمبستگی را تعدیل می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات ناشی از خودهمبستگی رفع شده است و نیاز به آزمون ندارد. قبل از برآورد الگوها، آزمون مانایی متغیرهای الگوها انجام شد. نتایج نشان می‌دهد متغیر نرخ سود تسهیلات بانکی و متغیر نرخ تعرفه وارداتی در سطح مانا هستند، ولی بقیه متغیرها نامانا و $I(1)$ هستند. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد، ولی اگرچه اثر اعتبارات هزینه‌ای بر اشتغال مثبت است ولی از نظر آماری معنادار نیست. مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم اثر منفی و معناداری بر اشتغال دارند و بدین معنا است که سیاست مالی انقباضی افزایش مالیات‌ها اثر منفی بر اشتغال دارد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد اثر مالیات‌های مستقیم بر اشتغال قویتر از اثر مالیات‌های غیر مستقیم است. سیاست پولی انبساطی از طریق کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، افزایش نقدینگی و افزایش تسهیلات بانکی پرداختی تاثیر مثبت بر اشتغال دارد. با توجه به تاثیر قویتر تسهیلات نسبت به نقدینگی بر تولید، هدایت نقدینگی به سمت پرداخت تسهیلات بانکی به بنگاه‌ها، تاثیر بیشتری بر اشتغال دارد. سیاست افزایش نرخ تعرفه وارداتی تاثیر مثبت بر اشتغال دارد، ولی با توجه به سطح بالای نرخ‌های تعرفه در ایران و حجم بالای واردات قاچاق کالا، نمی‌توان از این سیاست برای افزایش اشتغال استفاده کرد. افزایش نرخ ارز حقیقی اثر منفی و معناداری بر اشتغال دارد که این اثر منفی عمدتاً به دلیل تسلط و غلبه کانال افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تاثیر آن در افزایش هزینه‌های تولید و کاهش سرمایه‌گذاری است. با توجه به این که عمده صادرات ایران را محصولات پتروشیمی و پایه معدنی (مانند فولاد) تشکیل می‌دهد که سرمایه‌بر هستند، افزایش نرخ ارز حقیقی به افزایش اشتغال چندانی منجر نمی‌شود. یافته دیگر آن که، افزایش فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی که به معنای محدودیت در بازار ارز است، اثر منفی و معنادار بر اشتغال دارد. بنابراین، از طریق کم کردن فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی می‌توان بر اشتغال کشور افزود. در بخش دیگری از تحقیق، اثرات نسبت واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید و نسبت صادرات غیر نفتی به تولید بر اشتغال مورد آزمون تجربی قرار گرفت که نتایج نشان می‌دهد با افزایش نسبت‌های مذکور اشتغال افزایش می‌یابد. بنابراین، از طریق تسهیل تجاری (آسان و کم



هزینه کردن فرایندهای صادرات و واردات) می توان هم موجبات تشویق صادرات غیر نفتی را فراهم آورد و هم به افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و نهایتاً تولید و اشتغال کمک کرد. بر اساس سایر نتایج بدست آمده از برآورد الگوهای توابع اشتغال:

۱- دستمزدها اثر منفی و معناداری بر اشتغال دارند و حاکی از آن است که اجرای سیاست‌هایی مانند یارانه دستمزد و اعطای معافیت حق بیمه سهم کارفرما توسط دولت می تواند به افزایش اشتغال منجر شود.

۲- افزایش سرمایه سرانه که به معنای پیشرفت فناوری است، اثر منفی و قوی بر اشتغال دارد.

۳- افزایش تولید ناخالص داخلی غیر نفتی اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد. بنابراین، رفع موانع تولید مانند تامین سرمایه در گردش بنگاه‌ها می تواند به افزایش اشتغال کمک نماید.

در بخش بعد، روند متغیرهای مرتبط با سیاست‌های اقتصاد کلان (مانند نقدینگی، مانده تسهیلات بانکی، نرخ سود تسهیلات بانکی، اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، میانگین موزون نرخ تعرفه وارداتی و فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی) و اشتغال، طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ و به تفکیک برنامه‌های اول تا پنجم توسعه مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج بدست آمده، از سیاست‌های مالی و پولی بصورت موثر در جهت توسعه اشتغال استفاده نشده و می‌بایست به صورت فعال برای توسعه اشتغال مورد استفاده قرار گیرند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که اشتغال‌زایی در برنامه سوم توسعه در قیاس با برنامه‌های دیگر، بهتر بوده است و دلیل اصلی آن هماهنگی سیاست‌های مالی، پولی و ارزی با اهداف توسعه اشتغال است. بر اساس بررسی متغیرهای مرتبط با اقتصاد کلان این نتیجه حاصل شده است که واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیشترین سهم را در کل واردات داشته است و مجموع واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای در دوره یاد شده بیش از ۸۵ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهند. این امر نشان دهنده وابستگی تولید داخلی به واردات و بنابراین تولید کشور به درآمد نفت می‌باشد. بیشترین میزان نرخ تعرفه وارداتی، بر کالاهای مصرفی وضع شده است و این امر نشان دهنده سرمایه‌گذاری کمتر در زمینه تولید کالاهای واسطه‌ای و بویژه کالاهای سرمایه‌ای بوده است.

نتایج بررسی سیاست‌های اتخاذ شده در برنامه ششم توسعه، برنامه دولت دوازدهم و اقتصاد مقاومتی نشانگر آن است که برنامه‌های مختلفی برای توسعه اشتغال در نظر گرفته شده است که به افزایش اشتغال‌پذیری (مانند ارتقای مهارت‌های جویندگان کار) و تهییج طرف تقاضای بازار کار (مانند پرداخت حق بیمه سهم کارفرما توسط دولت و یا پرداخت یارانه دستمزد برای استخدام نیروی کار جدید توسط کارفرمایان) توجه دارد.